

اعتصاب کارگران شرکت واحد،

یک گام دیگر در پیشروی جنبش کارگری ایران!

حسن رحمان پناه

ساعت ۷/۵ صبح روز ۱/۱۰/۸۴ نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی مغول وار به منازل و محل زندگی ۱۲ تن از اعضای هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران یورش برده و ضمن بازداشت آنان اموال شخصی دستگیرشدگان را نیز به یغما می‌برند. این یورش سازمان‌یافته از قرار معلوم به دستور قاضی مرتضوی از جانبان مشهور جمهوری اسلامی صورت گرفته است. علت اعلام جرم و بازداشت فعالین سندیکای شرکت واحد «ایجاد سندیکای غیرقانونی و اغتشاش» اعلام شده است.

بعد از بازداشت هیئت موسس سندیکای شرکت واحد، دفتر این سندیکا که در دفتر انجمن صنفی کارگران خباز در حسن آباد مستقر بود پلمپ شد. کارگران شرکت واحد با اطلاع از دستگیری فعالین سندیکا و پلمپ دفتر آن، تصمیم به تجمع و اعتراض در روز بعد، درمقابل دفتر سندیکا گرفتند. روز جمعه دوم دیماه تجمع اعتراض کارگران با حضور جمع کثیری از آنان در مقابل دفتر سندیکا برگزار شد. نیروهای انتظامی و لباس شخصی‌ها طبق معمول همیشگی خود تجمع اعتراض کارگران را محاصره و خواستار خاتمه یافتن آن بودند. بسیج تمام ارگان‌ها و نهادهای سرکوبگر و قضایی و اداری رژیم علیه کارگران شرکت واحد، نشان از وحشت سران جمهوری اسلامی از سازمان‌یابی و اعتراض متحدانه و آگاهانه کارگران شرکت واحد و تأثیر آن بر کل جنبش کارگری و ترس از اعتراض رو به گسترش جنبش کارگری در سراسر کشور است. در مقابل نهادهای سرکوبگر و اداری رژیم در تعرض به اجتماع رانندگان شرکت واحد، کارگران مقاومت کردند و در برابر سپاهیان اسلام از خود جسارت و فداکاری نشان دادند. کارگران معترض و متحد چند همکار دستگیر شده خود را با زور از دست سرکوبگران اسلامی نجات دادند. فرمانده نیروهای انتظامی وقتی دید زور به جای نمی‌رسد و کارگران معترض حاضر به پایان دادن به اجتماع حق طلبانه خود بدون کسب نتیجه نیستند، شروع به سخنرانی و تهدید کرد که: «سندیکا غیرقانونی است و در قانون جمهوری اسلامی وجود ندارد و تجمع شما هم غیرقانونی است». کارگران جواب خزعبلات فرمانده نیروهای ضدکارگر جمهوری اسلامی را در محل دادند و بر خواست قانونی بودن سندیکا و آزادی همکارانشان و دیگر مطالبات خود تأکید کردند.

تجمع اعتراضی روز جمعه در ساعت ۰ دوازده و نیم ظهر با اعلام اعتصاب عمومی رانندگان شرکت

واحد توسط سندیکای این شرکت در روز یکشنبه ۴/۱۰/۱۳۸۴ بدون وقع نهادن به فشار و تهدید نیروهای سرکوبگر اسلامی توسط کارگران پایان یافت. مقامات رژیم از وحشت اعتصاب عمومی کارگران شرکت واحد که رفت و آمد در تهران را فلج می‌کرد و مردم ستمدیده را هرچه بیشتر متوجه خواست و مطالبات کارگران و رفتار سرکوبگرانه رژیم اسلامی علیه آنها می‌نمود اواخر روز شنبه ۳ دی ماه کلیه دستگیرشدگان به غیر از منصور اسانلو را آزاد کردند. منصور اسانلو به دلایل واهی و نامعلوم همچنان در بازداشت نیروهای سرکوبگر اسلامی است.

اما علی‌رغم وعده‌های مقامات رژیم در رسیدگی به مطالبات کارگران، رانندگان شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران روز یکشنبه ۴ دی ماه اعتصاب خود را در چندین منطقه از مناطق ده‌گانه تهران آغاز کردند. هر چند تمام کارگران شرکت واحد که تعداد آنها نزدیک به ۱۷ هزار تن است در اعتصاب شرکت نکردند و این خود یکی از نقاط ضعف این اعتصاب بود اما حضور چند هزار تن از آنان در این اقدام شجاعانه، هماهنگ و سازمان‌یافته از سویی باعث وحشت بیشتر رژیم از کارگران متحد و معترض شد و از سوی دیگر این اعتصاب اگر ادامه می‌یافت باعث می‌شد که مطالبات کارگران را هرچه گسترده‌تر از حالت صنفی خارج کرد و به معضل شهروندان تهران و کل جنبش کارگری ایران تبدیل کند. حمایت از خواست و مطالبات کارگران اعتصابی در داخل و خارج کشور انعکاس گسترده‌ای یافت و علی‌رغم سانسور خبری آگاهانه و سازمان‌یافته رژیم و روزنامه‌ها و کانال‌های خبر رسانی وابسته به آن، این حرکت وسیعاً پخش شد و مورد حمایت گسترده قرار گرفت که به نوبه خود رژیم را بیشتر در منگنه قرار داد. از سوی دیگر تجمع گسترده مسافری در ایستگاه‌های شرکت واحد و عدم وجود اتوبوس جهت نقل و انتقال آنان افکار عمومی را هرچه بیشتر در سطح تهران متوجه کارگران و مبارزه عادلانه آنها کرد که با سمپاتی گسترده مردم روبرو شدند. در جریان این اعتصاب شماری از کارگران دستگیر شدند که بیانگر این واقعیت بود که رژیم از این حرکت وحشت دارد و قصد سازش با آن را ندارد، پس لازم بود رهبران اعتصاب هم این نکته مهم را درک می‌کردند و بر ادامه اعتصاب و کوشش برای پیوستن کل رانندگان شرکت واحد به اعتصاب و حمایت توده‌ای شهروندان تهران از حرکت خود متحدانه فعالیت می‌کردند.

ادامه تهاجم قداره‌بندان رژیم اسلامی همراه با وعده رسیدگی به خواست کارگران و آزادی دستگیرشدگان، عمق وحشت و نگرانی رژیم را از جنبش رو به گسترش کارگری و خودساماندهی این جنبش در اشکال مختلف و ترس وحشت رژیم از اعتراض و نارضایتی در جامعه ناآرام و پرتاب و تاب ایران را به روشنی نشان می‌داد. قالیباف، شهردار تهران به کارگران وعده داد که خواست‌ها و

مطالبات آنان را پیگیری می‌کند که وقایع بعدی و از جمله پرونده سازی برای فعالین سندیکای و در رأس آنها منصور اسانلو نشان داد وعده‌های ایشان برای آرام کردن فضای متشنج و نفرت عمومی از رژیم بوده است. بی گمان پایان دادن به اعتصاب بر اساس وعده‌های شهردار تهران و بدون رسیدن به کل خواست کارگران از جمله آزادی منصور اسانلو از اشتباهات و ضعف‌های جدی این اعتصاب بود.

جمهوری اسلامی و معضل کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی

مدتها است که کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی در تهران که روزانه چندین میلیون شهروند تهرانی را جابجا می‌کنند و در واقع شاه‌رگ ارتباطی تهران را در دست دارند، با کارفرما (شورای شهر) و دولت حامی آن درگیر و به معضل جدی آنان تبدیل شده‌اند. این نبرد در دو عرصه جنبش مطالباتی و تشکل یابی کارگری جریان داشته است. در عرصه خواست‌ها و مطالبات صنفی که در جامعه خفقان‌زده و دیکتاتوری ایران بی تردید و بلافاصله رنگ و بوی سیاسی به خود می‌گیرند شرکت واحدی‌ها بارها خواسته‌ها و مطالبات خود را در مقابل کارفرما مطرح و خواستار تحقق آنها بوده‌اند. مقامات مسئول طبق معمول همیشگی با وعده و وعید سعی در فرونشاندن نارضایتی کارگران داشته‌اند. اما کارگران عقب ننشسته و از خواست‌های خود کوتاه نیامده‌اند. مدت‌ها است به یمن اعتراض و مبارزات روزانه اقشار تحت ستم در جامعه، توازن قوا در سطح جامعه به نفع جنبش اعتراضی و به زیان استبداد سیاسی و حکومت تغییر کرده است. دیوار استبداد شکاف برداشته و پایه‌های آن لرزیده است. ستون اصلی حفظ نظام، همچنان سرکوب بیرحمانه و قلع و قمع آشکار است که نمونه آخر آن را در کشتار مردم کردستان در خیزش‌های تابستان گذشته و احکام ظالمانه و ضدانسانی علیه فعالین کارگری دستگیرشده در اول ماه مه سقز و دستگیری رهبران سندیکای شرکت واحد در روزهای اخیر می‌توان برشمرد. تغییر در توازن قوا و فضای مبارزاتی، در جامعه نیز اشکال نوینی از سازمانیابی و تشکل‌پذیری و شیوه‌های مختلف طرح جنبش مطالباتی را به همراه داشته و در همان حال جنبش‌های مبارزاتی را به جلو سوق داده است. برای نمونه کارگران شرکت واحد طی مبارزه خود در طول یک سال اخیر روش‌های اعتراضی و مبارزات نوینی را در جنبش کارگری ایران در پیش گرفته‌اند که حرکت آنها را از محدوده محل کار به درون جامعه سوق داده که یکی از نقاط قوت اصلی حرکت آنها می‌باشد. حرکتی که کارگران سقز در اول ماه مه سال ۸۳ و در دوره اخیر آغازگر آن و کارگران نساجی سنندج و شاهو و بسیاری از مراکز کارگری دیگر و از جمله کارگران شرکت واحد در طی مبارزات اخیر خود ادامه دهنده آن بوده‌اند. کارگران شرکت واحد با ابتکاراتی از

قبیل خودداری از فروش بلیط به مسافرین، روشن کردن چراغ اتوبوس‌های در حین کار و در روز روشن که در ایران مرسوم نیست و نهایتاً با اعتراض و اعتصاب دسته‌جمعی و سازمان‌یافته جهت تحقق مطالباتشان از جمله آزادی همکاران دستگیرشده خود در هیئت رهبری سندیکای شرکت واحد افکار عمومی را در داخل و خارج کشور متوجه خود و اقدامات متحدانه خود کردند. همین اقدامات و مبارزات از سویی به معضل جدی برای رژیم اسلامی تبدیل شده و از سوی دیگر نگاه‌ها و امیدها را در درون جامعه و جنبش کارگری متوجه مبارزات طبقه کارگر و اکنون کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران کرده است.

تشکل "غیرقانونی" و سندیکای شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران

از بدو سرکار آمدن جمهوری اسلامی و در مقابله با نهادهای برخاسته از قیام ۵۷ از جمله شوراهای و اتحادیه‌ها و دیگر نهادهای کارگری، سران جمهوری اسلامی به بدیل‌سازی علیه این نهادها از جمله تشکیل شوراهای اسلامی و خانه ضدکارگر اقدام کردند. کار این نهادهای وابسته و مزدور تنها ضدیت با نهادهای کارگری و فعالین آن نبود، بلکه جاسوسی و پرونده‌سازی، مجبورکردن فعالین کارگری به ترک محل کار، همکاری این نهادها ضدکارگری با نیروهای انتظامی و اطلاعاتی و دستگیری، زندانی، به محاکمه کشاندن و اعدام برخی از فعالین کارگری جزئی از شغل کثیف این دو نهاد بوده است. اما به موازات ضدیت آنان با جنبش کارگری، این جنبش و فعالین آنهم در دوره‌های مختلف و به نسبت توان و قدرت خود به مقابله و رودررویی با این نهادها وابسته برخاسته و نقشه و طرح‌های آنها را خنثی و ناکام گذاشته‌اند. به همت همین مبارزات که با فداکاری و جانفشانی کارگران آگاه و معترض صورت گرفته سال‌هاست این نهادهای ضدکارگری رسوا و بی اعتبار و روی دست جمهوری اسلامی مانده‌اند. این دو نهاد ضدکارگری نه در عرصه داخلی می‌توانند کارگران را فریب و به دور خود جمع کنند و نه در عرصه بین‌المللی هم قادر به کسب وجه و اعتبار برای رژیم هستند. آنها محصول استبداد سیاسی و حکومت سرنیزه اسلامی و وجاهت قانونی خود را از شریعت اسلامی، قانون اساسی جمهوری اسلامی، ولایت فقیه و سرکوب‌عریان و آشکار بخش رادیکال و معترض کارگران می‌گیرند و به همین اعتبار ضدکارگری و فاقد مشروعیت کارگری‌ند.

طبقه کارگر ایران به موازات عمر جمهوری اسلامی و نهادهای ضدکارگریش برای ایجاد تشکل مستقل خود فعالیت کرده است. اکنون بر هر کارگر آگاه و معترض آشکار است که قدرت او در تشکلش است. کارگر غیرمتشکل به وحشیانه‌ترین شکل استثمار و سرکوب می‌شود. طبقه کارگر برای

مبارزه با نظام سرمایه و تحقق خواست و مطالباتش مدام در حال نبرد با نظام سرمایه و حکومت مدافع آن است. ابزار تجمع کارگران در این نبرد نابرابر چیزی جز خودسازماندهی و متشکل شدن نیست. اما تشکل نه امری ارادی و نه خودبخودی بلکه امری آگاهانه و محصول کار و فعالیت خود طبقه و در رأس آن پیشروان کارگری است. اگر تشکل محصول مبارزه آگاهانه کارگران است در همان حال ابزار پیشبرنده مبارزه طبقه کارگر نیز می باشد

شکی نیست که طبقه کارگر در مبارزه خود تنها به شکلی از تشکل یابی متوسل نمی شود بلکه اشکال مختلف آن را بنا به شرایط، توازن قوا و میزان آگاهی و سازمانیابی برمیگزیند. تجربه تاکنونی نشان داده که شورا مناسبترین شکل تشکل یابی کارگران چه در عرصه اراده جمعی و تصمیم گیری و چه در عرصه عزل و انتخاب نمایندگان است. اما عدم تشکیل شوراهای کارگری به هر دلیل نباید مانع ایجاد دیگر نهادهای کارگری از جمله سندیکا و غیره گردد.

طی یکی دو سال اخیر و بعد از رویداد سقز در اول ماه مه ۱۳۸۳ شاهد شکل گیری و تشکل یابی کارگران در ظرف های مبارزاتی معینی هستیم که هرکدام به نوبه خود به رشد و گسترش جنبش کارگری کمک کرده است بدون آنکه تقابل و اختلافات درون جنبش کارگری درز گرفته شود. کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری، کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل کارگری، کمیته برای ایجاد تشکل بیکاران، اتحاد کمیته های کارگری، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی، تشکلات محلی در سطح کارخانه ها و مراکز تولید و غیره نمونه های بارز تشکل یابی این دوره اند.

سندیکای کارگران شرکت اتوبوس رانی تهران از تشکلات قدیمی کارگری در ایران است. این سندیکا سال ها در زمان رژیم گذشته و بعد از یورش رژیم اسلامی به نهادهای کارگری مورد غضب آنها نیز قرار گرفت و تعطیل شد. اما با تحركات اخیر در سطح جامعه و بخصوص جنبش کارگری این تشکل بار دیگر احیا شد و هزاران کارگر را در خود سازمان داد. علی رغم انتقادات جدی که به رهبری و سیاست های سندیکا وجود دارد، از جمله عدم اتکا به مجمع عمومی کارگران و عدم تصمیم گیری جمعی در جریان اعتراضات و برای نمونه اعتصاب اخیر، اما این تشکل از آغاز فعالیت مجدد مورد نفرت خانه کارگری ها و شوراهای اسلامی بوده است. در گردهمایی این سندیکا حسن صادقی مسئول خانه کارگر با چاقو به اسانلو یورش برد و بخشی از فعالین این نهاد در همان جلسه مورد ضرب و شتم همکاران حسن صادقی و دیگر عناصر ضدکارگر که مورد حمایت کامل نیروهای اطلاعاتی و انتظامی رژیم بودند قرار گرفتند. بنابراین آغاز به فعالیت این تشکل و هر نهاد کارگری دیگر ابتدا به ساکن زنگ مرگ نهادهای ضدکارگری جمهوری اسلامی را به صدا درمی آورد و فوری به جنگ آن

خواهند رفت. اینکه فرمانده نیروهای انتظامی در جریان اعتراض روز جمعه یک دی ماه خطاب به کارگران شرکت واحد میگوید: «سندیکا غیرقانونی است» کاملاً درست می‌گویند، زیرا جمهوری اسلامی بیش از ۲۶ سال است با اتکا به قوانین الهی، قوانین انسانی را زیر پا می‌گذارد و با اتکا به نهادهای مزدوری و جاسوسی، تشکلهای کارگری و فعالین آن را سرکوب و قلع و قمع می‌کند. کارگران شرکت واحد جدا از اعتراض به کمی دستمزد و قرارداد موقت و ساعت کار طولانی و غیره خود را سازمان داده و در تشکل معینی گرد آمده‌اند. اکنون برای پیگیری همان خواست‌ها اعتصابیون و دیگر خواست‌های رفاهی و اقتصادی به متشکل شدن و خودسازمانیابی نیاز دارند. همچنانکه قبلاً هم یادآور شدیم علی‌رغم ضعف و کمبودهای جدی کار و فعالیت سندیکا اما همین حد از مبارزه و اعتراض و انعکاس داخلی و جهانی حرکت کارگران شرکت واحد محصول سازمانیابی و تشکل‌پذیری آنها است.

طبقه کارگر ایران در پیشروی خود جهت کسب سنگرهای مبارزاتی و به دست آوردن مطالباتش راهی جز ایجاد تشکلهای کارگری با دخالت توده وسیع کارگران در این تشکلهای، در تصمیم‌گیری و اراده واحد و دستجمعی با اتکا به مجمع عمومی ندارد. چنین تشکلاتی بی‌تردید مغایر با نهادهای وابسته به رژیم اسلامی و در تقابل آنها خواهد بود. ادامه کاری و پیشروی سندیکای شرکت واحد هم در این مسیر ممکن خواهد بود.

تحركات اخير جنبش کارگری، افق و چشم‌انداز!

اقدام برای برگزاری اول ماه مه در شهر سقز و دستگیری فعالین کارگری در این حرکت را بی‌تردید می‌توان سرآغاز دور نوینی در جنبش کارگری ایران به حساب آورد که اعتصاب کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران ادامه و قدمی جدی در پیشروی آن به حساب می‌آید.

— جدا از شجاعت، فداکاری، مقاومت سرسختانه و اعتصاب در زندان و زیر شکنجه که دستگیرشدگان اول ماه مه سقز از خود نشان دادند، که سرمشقی برای دیگر فعالین جنبش کارگری و ادامه مبارزه آنان خواهد بود، بدون تردید شرایط مبارزاتی ایجاد شده در جامعه بر اراده آنان تأثیر داشت و مقاومت آنان نیز بر تثبیت این شرایط و پیشروی آن تأثیر متقابل گذاشت. اولین دست‌آوردی که آنان در جنبش کارگری یک سال و نیم اخیر تثبیت کردند بیرون بردن صدای اعتراض و مبارزه از محیط کار و زندگی کارگران به درون جامعه و درهم شکستن دیوار آهنین سانسور و خفقان بین داخل و خارج کشور و وصل کردن جنبش کارگری ایران به جنبش کارگری و عدالت‌خواهانه در سطح جهانی بود.

اولین قدم را در این راه محمود صالحی در ملاقات با نماینده اتحادیه‌های آزاد کارگری و در بیان درد و رنج طبقه کارگر ایران برداشت که رسوایی و بی‌اعتمادی بزرگی را از جانب نهادهای بین‌المللی در برخورد به جمهوری اسلامی در رابطه با جنبش کارگری و خواست و مطالبات و تشکل‌یابی آن را به همراه داشت. علی‌رغم رادیکال‌نمایی کذایی عده‌ای در ضدیت با اتحادیه‌های کارگری و بین‌المللی در خارج و علی‌رغم انتقادات جدی که به سیاست، مواضع و رهبری چنین نهادهایی وجود دارد، اما حمایت این تشکل‌ها از جنبش کارگری ایران یکی از عوامل مهم پیشروی جنبش کارگری در داخل ایران به حساب می‌آید که فعالین کارگری در داخل بارها براهمیت و ضرورت این حمایت‌ها و گسترش آن تأکید کرده‌اند.

– چندین دوره اعتصاب و اعتراض متحدانه و یکپارچه کارگران نساجی در کردستان و رودرویی آشکار و علنی با نیروهای سرکوبگر، نهادهای امنیتی، کل سیستم اداری رژیم و کارفرما، مجمع عمومی کارگری را بعنوان ابزار مبارزه و اراده جمعی کارگران و ابزار تصمیم‌گیری کارگری تثبیت و کارآیی آن را در هر شرایطی از جمله شرایط خفقان و محاصره نظامی به روشنی اثبات کرد. جنبش کارگری این تجربه ارزشمند را باید پاس دارد و فعالانه آن را بکار گیرد. کمبودی که متأسفانه حرکت اخیر کارگران شرکت واحد از آن رنج می‌برد.

– صدور احکام ظالمانه و ضدانسانی توسط نهاد ارتجاعی و انسان‌کش قوه قضاییه رژیم علیه کارگران دستگیرشده در اول ماه مه سقز، مجدداً فضایی از اعتراض و نارضایتی دستجمعی در داخل و خارج کشور علیه این احکام ظالمانه را به راه انداخت. ایجاد نهادها و کمیته‌ها در داخل و خارج کشور از جمله «کمیته حمایت از دستگیرشدگان اول ماه مه سقز» که چند تن از همسران دستگیرشدگان و دهها فعال حقوق مدنی، ادیب و روشنفکر متعهد و وکلای دادگستری و فعال جنبش زنان و جنبش دانشجویی را در خود گرد آورده است حداقل بعد از قیام ۵۷ حرکت بی‌سابقه و امیدبخش در همسویی دیگر جنبش‌های اعتراضی و اجتماعی در حمایت و پشتیبانی از جنبش کارگری است. این اقدام نشان می‌دهد که بار دیگر نگاه‌ها و امیدها در جامعه به طرف جنبش کارگری که بنیادی‌ترین جنبش تحول‌بخش و تغییرساز در جامعه است، جلب می‌شود. این موقعیت را باید به خوبی دریافت و آن را تقویت کرد.

– اکنون بیشتر از هر زمان دیگری شرایط آن فراهم شده است که فعالین و رهبران جنبش کارگری بعنوان فعالین جنبش اعتراضی و مطالباتی در سطح جامعه ظاهر و تثبیت شوند. طی ماه‌های گذشته بارها شاهد حمایت جنبش دانشجویی و بخش رادیکال و متعهد جنبش روشنفکری از جنبش

کارگری بوده‌ایم. این اقدام حرکتی به پیش و بیانگر جایگاه و اهمیت جنبش کارگری در سرنگونی رژیم و کل مناسبات تولیدی سرمایه‌داری است که جنبش‌های دیگر نیز به هر میزانی که تعمیق و رادیکال شوند امید بیشتری به جنبش کارگری پیدا می‌کنند و از آن نیرو می‌گیرند. نتیجه مهم در این میان تاثیر افق انسانی و رادیکال جنبش کارگری بر دیگر جنبش‌های اجتماعی است. جنبش کارگری در هر اعتراض و مبارزه‌ای می‌تواند و لازم است که بعنوان صاحبان جامعه ظاهر شده و کل جامعه را مورد خطاب قرار دهد. پیروزی در هر مبارزه‌ای از جمله کوچک و در محدوده یک نهاد کارگری هم به توده‌ای شدن و حمایت جامعه از آن حرکت بستگی دارد.

– در نظام‌های ضد مردمی و سرکوبگر هر صدای اعتراضی و نارضایتی و هر حرکت فردی و اجتماعی مخالف نظام بلافاصله با اتهام به «خطر انداختن امنیت ملی» روبرو می‌شود. در جمهوری اسلامی بعنوان نظامی توتالیتر بر هر صدای مخالفی بلافاصله این مهر را می‌چسپاند. جنبش کارگری، جنبش زنان، جنبش انقلابی کردستان، جنبش دانشجویی و دیگر جنبش‌های اعتراضی و اجتماعی مبارز به بهانه به خطر انداختن «امنیت ملی» بلافاصله سرکوب و به خاک و خون کشیده می‌شوند. هر صدای فردی و جمعی که برای رژیم خطرساز باشد به خط قرمز امنیت ملی برخورد می‌کند. برای دبیر سندیکای کارگران شرکت واحد به بهانه به خطر انداختن «امنیت ملی» و ارتباط با خارج پرونده سازی و قرار است محاکمه و احتمالاً در تلویزیون ظاهرش کنند. این نمایش آنچنان رسوا و رقت انگیز است که تنها نفرت عمومی علیه سران رژیم را بیشتر گسترش می‌دهد. به خطر انداختن «امنیت ملی» اسم رمز به خطر انداختن حاکمیت سرکوبگرانه رژیم اسلامی است. مبارزه متحدانه، آگاهانه و سازمان‌یافته در همه عرصه‌ها و اقدام برای ایجاد تشکل یابی از جمله تشکل‌های مختلف کارگری و اتکا به مجمع عمومی و اراده جمعی کارگران گام اولیه و در همان حال اساس در پیشروی جنبش ما و به خطر انداختن امنیت واقعی جمهوری اسلامی تا سرنگونی نهایی آن است. این رسالت اکنون از هر زمانی بیشتر به اقدام و حرکت جنبش کارگری بستگی دارد.

حرکت اعتراضی اخیر کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران علی‌رغم کل نکات مثبت و ضعف آن و عدم پیروزی کامل جهت تحقق خواست و مطالبات آن، جنبش کارگری ایران را گام مهمی به جلو سوق داد. این حرکت و جنبش همچنان ادامه دارد و در داخل و خارج کشور برای پیروزی آن که پیروزی کل جنبش کارگری و عدالت طلب خواهد بود باید متحدانه و هماهنگ گام برداشت.